

اطمینان،
امنیت
و مسرت
از نجات

ویتس لی

LIVING STREAM MINISTRY
Anaheim, California • www.lsm.org

© 2017 Living Stream Ministry

با حفظ تمام حقوق، این مجموعه کار می‌تواند بطور رایگان چاپ و پخش شود ولی باید تمامی آن، من جمله این صفحه حق چاپ، بطور کامل چاپ شوند و نباید به هیچ وجهی تغییر داده شوند. Living Stream Ministry باید در هر تجدید چاپ بعنوان تنها دارنده حق چاپ ذکر گردد.

چاپ اول، ژانویه ۲۰۱۷

ترجمه از زبان انگلیسی

عنوان اصلی: *The Assurance, Security, and Joy of Salvation*

© 1979 Living Stream Ministry

(Farsi translation)

ISBN 978-0-7363-4220-9

پخش در آلمان:

Lebensstrom e.V.

Graefestr. 71

10967 Berlin

Internet: www.lebensstrom.de

انتشار توسط:

Living Stream Ministry

2431 W. La Palma Ave., Anaheim, CA 92801 U.S.A.

P. O. Box 2121, Anaheim, CA 92814 U.S.A.

چاپ در انگلستان

17 18 19 20 / 7 6 5 4 3 2 1

اطمینان، امنیت و مسرت از نجات

اطمینان از نجات

اگر شما اخیراً دریافت مسیح را تجربه کرده‌اید، ممکن است که در مواقعی به واقعیت این تجربه شک برده باشید؛ یعنی، ممکن است سؤال کرده‌اید که آیا واقعاً نجات یافته‌اید؟ بدون اطمینان واقعی از نجات که پایه‌ایست نیرومند، برای یک مسیحی نو پایه مشکل است که رشد کرده و تجربه‌های عمیق‌تر در حیات مسیحی کسب کند. در هر حال، کلام خدا می‌گوید که شما بدون تردید بدانید که شخصی نجات یافته هستید. چطور می‌تواند چنین باشد؟ بیایید با هم اول یوحنا ۵: ۱۳ را بخوانیم:

این را نوشتم به شما که به [در] اسم پسر خدا ایمان آورده‌اید، تا بدانید که حیات جاودانی دارید...

گفته نشده، «تا بیندیشید»، یا، «تا امید داشته باشید»، بلکه «تا بدانید». لازم نیست ما منتظر باشیم تا بمیریم و سپس دریابیم؛ این اطمینان برای امروز ماست تا از آن مسرت بریم.

چطور می‌توانیم از نجاتِ خود مطمئن باشیم؟ سه
وسیله وجود دارد:

خدا چنین می‌گوید

اولین وسیله برای اطمینان یافتن از نجات، کلام خداست. مادامی که حرف انسانها قابل اطمینان نباشد، کلام خدا مطمئن و استوار است. برای خدا دروغ گفتن غیرممکن است (عبرانیان ۶: ۱۸؛ اعداد ۲۳: ۱۹). هرآنچه خدا می‌گوید، برای ابد پایدار می‌ماند (مزامیر ۱۱۹: ۸۹).

آنچه را که خدا گفته است، مبنی بر حدس و گمان نیست. کلام خدا نه مبهم است، نه غیر قابل درک، و آن امروز به صورت کتبی در کتاب مقدس در دسترس ماست. کتاب مقدس همان کلام خدا است که از او الهام گرفته شده (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶). ما می‌توانیم این کلام را بکار برده، به این کلام ایمان آورده و به این کلام اطمینان کنیم. پس خدا دربارهٔ نجات چه می‌گوید؟ او می‌گوید: راه نجات یک شخص است - عیسی مسیح (یوحنا ۳: ۱۶؛ اعمال ۱۰: ۴۳؛ ۱۶: ۳۱). او می‌گوید: هر کس ایمان آورد که عیسی مسیح از مردگان برخاسته و با زبان خود اعتراف کند عیسی خداوند است، نجات یافته است. او می‌گوید: هر کس نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت (رومیان ۱۰: ۹-۱۳).

آیا چنین کرده‌اید؟ آیا در مسیح ایمان آورده و آشکارا

اعتراف کرده‌اید که او خداوند شماست؟ آیا نام او را صدا زده‌اید؟ اگر چنین است، شما واقعاً نجات یافته‌اید. خدا چنین می‌گوید و این چنین مقرر شده است.

روح القدس شهادت می‌دهد

ما نه تنها کلام خدا را بیرون از خود داریم که به ما می‌گوید نجات یافته‌ایم، بلکه همچنین شاهدی درونی داریم، که همین را به ما می‌گوید. آنچه کتاب مقدس از بیرون به ما می‌گوید، روح‌القدس از درون تأیید می‌کند. اول یوحنا ۵: ۱۰ می‌گوید: «آن که در پسر خدا ایمان آورد، در خود شهادت دارد.»

گاهی، بعد از آن که مسیح را دریافت کردیم، ممکن است حس نجات را نداشته باشیم. در هر حال، اگر روح خود که عمیق‌ترین قسمت وجودمان است را بررسی کنیم، نوعی گواه درونی و اطمینانی می‌یابیم که ما فرزندان خدا هستیم. «همان روح بر روحهای ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم» (رومان ۸: ۱۶). اگر شک دارید که این شهادت روح‌القدس را در درونتان دارید، این امتحان ساده را انجام دهید: سعی کنید جسورانه اظهار کنید، «من فرزند خدا نیستم!» شما درخواهید یافت که حتی نجوا کردن چنین سخن باطلی مشکل است. چرا؟ چون روح‌القدس درون شما شهادت می‌دهد، «شما فرزند خدا هستید!»

عشق ما برای برادران گواه است

سومین وسیله برای اطمینان یافتن، عشق ما به دیگر برادران و خواهران در مسیح است. اول یوحنا ۳: ۱۴ می‌گوید: «ما می‌دانیم که از مرگ گذشته داخل حیات گشته‌ایم، زیرا عاشق برادران می‌باشیم.» شخص نجات یافته، بی‌شک نوعی عشق نسبت به کسان دیگری که نجات یافته‌اند حس می‌کند. شما اشتیاق به مشارکت با دیگران را برای کسب مسرت‌های مسیح حس می‌کنید. این خود به خود نتیجه نجات یافتن ماست، همین یکی از واضح‌ترین علائم برای شخص نجات یافته است. این عشق ماورای «عشق» پست و خودخواهانه این عصر است. این عشقی بی‌غرض است - به آنانی که متشابه‌اند و به آنانی که متفاوتند عشق می‌ورزد. این همان یگانگی و هماهنگی واقعی است که دنیا در اشتیاق آن است. در این حال، وقتی که مسیح را دریافت کنیم این یگانگی و هماهنگی از آن ما خواهد بود. «اینک چه خوش و چه دلپسند است، که برادران به یک دلی با هم ساکن شوند» (مزامیر ۱۳۳: ۱). این شهادت یک فرد نجات یافته است.

توسط این سه شاهد - کلام خدا، شهادت درونی روح‌القدس و عشقمان به برادران - می‌توانیم بدانیم و مطمئن باشیم که واقعاً نجات یافته‌ایم.

امنیتِ نجات

پس از آن که یک مسیحی اطمینان حاصل کرد که واقعاً نجات یافته، ممکن است فکر کند، «می‌دانم که امروز نجات یافته‌ام، ولی چطور بدانم که فردا نجات را خواهم داشت؟ آیا برای من این امکان وجود دارد که نجاتم را از دست بدهم؟» برای چنین کسی، دیگر سؤال اطمینان از نجات مطرح نیست، بلکه امنیتِ آن مورد سؤال اوست.

یک انسان با داشتن میلیون‌ها در بانک مطمئن است که دارایی مالِ اوست. ولی اگر بانک اصرار در قفل نکردن گاو صندوق خود نماید، دوست ثروتمند ما مشکلی واقعی با امنیت دارایی‌اش خواهد داشت. او می‌داند که امروز ثروتمند است، ولی راجع به فردا نمی‌داند.

آیا نجات ما از این نوع است؟ چیزی است که ما امروز داریم ولی ممکن است هر لحظه آن را از دست بدهیم؟ جواب بی‌شک «نه» می‌باشد. ما با شهادت می‌توانیم بگوییم، «من می‌دانم که هر چه خدا انجام می‌دهد برای ابد خواهد بود» (جامعه ۳: ۱۴).

یک حقیقت شگفت‌انگیز دربارهٔ نجات در مسیح این است که آن برگشت‌ناپذیر است، یعنی نمی‌تواند لغو شود. وقتی ما نجات یافتیم، برای همیشه نجات یافته‌ایم زیرا بنیان و اساس نجات ما، همان طبیعت و شخصیت خودِ خداست.

نجات توسط خدا آغاز شد

عیسی به مریدان خود گفت: «شما مرا انتخاب نکردید، بلکه من، شما را انتخاب کردم» (یوحنا ۱۵: ۱۶). به عبارتی دیگر، نجات ایده خدا بود، نه ما. ما از ازل انتخاب و حتی توسط او معین شدیم (افسیان ۱: ۴-۵). بعلاوه، او بود که ما را خواند (رومیان ۸: ۲۹-۳۰). از آنجایی که این از اول طرح خدا بود که ما را نجات دهد، همین طور طرح اوست تا ما را در این نجات نگاه دارد. آیا خدا می‌تواند ما را انتخاب کند، تعیین کند، به نجات بخواند و سپس ما را رها کند؟ خیر، نجات خدا ابدی است.

عشق و فیض خدا ابدی است

بعلاوه، عشق و فیض خدا برای ما شرطی و موقتی نیست. این عشق از سوی ما نبود که ما را نجات داده، بلکه عشق از اوست (اول یوحنا ۴: ۱۰). او با عشقی ابدی دوستدار ماست (ارمیا ۳۱: ۳). فیض او از ازل، قبل از آغاز دنیا، به سوی ما بود (دوم تیموتاوس ۱: ۹). وقتی مسیح عاشق ماست، او بی‌نهایت عاشق ما است (یوحنا ۱۳: ۱). هیچ گناه، سقوط، یا ضعفی از طرف ما نمی‌تواند ما را از عشق خدا که در عیسی مسیح است جدا سازد (رومیان ۸: ۳۵-۳۹).

خدا صادق است

ولی نجات ما نه تنها بر اساس عشق و فیض خدا است، بلکه حتی بیشتر بر طبق صداقت خداست. خدای ما خدای صادق و عادل است. صداقت و عدالت اساس تخت اوست (مزامیر ۸۹: ۱۴). اگر خدا صادق نبود، اساس تخت او زایل می‌گشت. بنابراین، چون نجات ما از هر طریق مرتبط با صداقت خداست، حقیقتاً محکم و استوار است.

فرض کنید که چراغ قرمزی را رد کرده باشید و قبض جرمه ۲۵ دلاری به شما داده شده. آن ۲۵ دلار جرمه، تنبیه عادلانه‌ایست و قوانین سرزمین، متقاضی پرداخت شما است. اگر قاضی شهر به سادگی از اشتباه شما بگذرد و شما را بدون پرداخت جرمه آزاد کند، قاضی ناعادلی است. مسئله این نیست که آیا قاضی شما را دوست دارد یا نه؛ او طبق قانون موظف است که جرمه را وصول نماید.

به همین طریق، مسئله ما در مقابل خدا قبل از آنکه نجات یابیم، یک مسئله قانونی بود. ما قانون خدا را با گناه خود شکسته بودیم و در نتیجه آن، به قضاوت عادلانه قانون خسارت وارد آوردیم. بر طبق قانون خدا، هر جا سرکشی از قانون باشد، مرگ جایگزین می‌گردد (رومیان ۶: ۲۳؛ حزقیال ۱۸: ۴). این مطلب مربوط به عشق خدا به

ما، گذشتن خدا از گناهان ما و فراموش کردن دربارهٔ قضاوت قانون نیست. اگر خدا این چنین می‌کرد، همانا سلطنت او واژگون می‌شد. خدا به واسطهٔ قانون خود به قضاوت گناه پای‌بند است. او چه می‌تواند انجام دهد؟ از آنجایی که خدا مشتاق است ما را نجات دهد و از آنجایی که ما نمی‌توانستیم بدهی گناه را خودمان پرداخت کنیم، او از روی رحمت خویش تصمیم گرفت خودش این کار را انجام دهد. دو هزار سال پیش، عیسی مسیح، خدای جسم پوشیده، آمد تا بر روی صلیب برای پرداخت بدهی گناهان ما بمیرد. چون او خود هیچ گناه نداشت، تنها شایستگی این را داشت تا در این مرگ کفالتی بمیرد. مرگ او که مورد قبول خدا بود، توسط خدا مرگ ما شمرده شد و خدا وی را از مرگ برخیزاند. حال وقتی ما در مسیح ایمان آوریم، مرگ او نزد خدا مرگ ما محسوب می‌شود. بدین ترتیب، بدهی گناه ما عادلانه پرداخت شده و ما نجات یافته‌ایم.

حال، آیا خدا می‌تواند این نجات را که مسیح خریداری کرده پس گیرد؟ مطلقاً خیر! چون بدهی پرداخت گشته، برای خدا تقاضای پرداخت دوباره از ما بی‌عدالتی خواهد بود. همان عدالتی که قبلاً در خواست محکومیت ما را داشت، حالا درخواست عادل شمردن ما را دارد. این چه امنیت پر قدرتی به نجات ما می‌دهد! حتی قاضی دنیایی هم یک جریمه را دو بار تقاضا نمی‌کند. پس حتماً خدا،

منشأ همهٔ صداقت و عدالت، نمی‌تواند این چنین کند.
چنان که برادر واچمن نی در یکی از سرودها نوشته:

او بخشودگی را برایم کسب کرد،
و رهایی حاصل گشت،
تمام بدهی گناه پرداخته شد؛
خدا از دو فرد طلبش را ادعا نخواهد کرد،
اول از پسرش، کفیل حقیقی من،
و سپس از من.

پس، کلام مقدس اعلام می‌کند که وقتی خدا ما را نجات
می‌دهد، او عدالت خویش را نمایان می‌سازد (رومیان
۱: ۱۶-۱۷؛ ۳: ۲۵-۲۶).

ما فرزندان خدا شده‌ایم

وقتی نجات یافتیم، نه تنها چیزی دریافت کردیم بلکه
چیزی شدیم. ما فرزندان خدا شدیم، متولد از حیات ابدی
او (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳). یک پدر انسانی ممکن است بعدها
هدیه‌ای را که به فرزندش داده پس گیرد، ولی هرگز
نمی‌تواند حیات انسانی را که به او داده پس گیرد. اگر چه
فرزند ممکن است بد رفتاری کند هنوز فرزند همان پدر
است، همینطور ما فرزندان خدا هستیم. اگر چه ممکن
است ضعف‌های زیادی داشته باشیم و ممکن است
مستلزم تنبیه او باشیم، ولی گناهان و ضعف‌های ما

نمی‌توانند تغییری در این حقیقت که ما فرزندان او هستیم بدهند. حیاتی که ما با تولد دوم خود دریافت کرده‌ایم حیاتِ ابدی است، حیاتِ فنا ناپذیر، حیاتِ خدا، حیاتی که هرگز نمی‌تواند بمیرد. وقتی که تولد دوباره یافتیم، هرگز نمی‌توانیم «نا متولد» شویم.

خدا قوی است

دلیل دیگر امنیت نجات ما قوّت خداست. خدا میل ندارد اجازه دهد هیچ چیز یا هیچ کس ما را از او برآید. عیسی گفت: «من به آنها حیاتِ ابدی می‌دهم و آنها تا ابد به هیچ وجه نابود نمی‌شوند و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد ربود. پدر من ... از همه بزرگتر است و هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دست پدر من برآید» (یوحنا ۱۰: ۲۸-۲۹). دست پدر و دست خداوند عیسی دو دست قوی هستند که ما را محکم نگاه داشته. حتی اگر ما سعی کنیم از پدرمان فرار کنیم، غیر ممکن خواهد بود. نه تنها خدا از شیطان قوی‌تر است، بلکه از ما نیز قوی‌تر است.

خدا هرگز تغییر نمی‌کند

اگر این امکان وجود داشت که نجات خود را از دست بدهیم، بسیاری از ما خیلی پیش‌تر باید آن را از دست

داده باشیم. بعنوان یک انسان، ما تغییر می‌کنیم، یک روز گرم و روز دیگر سردیم. ولی نجات ما بر پایه احساسات غیر معقول ما نیست. آن ریشه و اساس در خدایی دارد، که در عشق و وفاداری‌اش نسبت به ما تغییر ناپذیر است (ملاکی ۳: ۶). رساله یعقوب ۱: ۱۷ می‌گوید: «پدر نورها، که با او نه تبدیلی است و نه سایه‌ای از دگرگونی.» مراثی ارمیا ۳: ۲۲-۲۳ می‌گوید: «رحمت‌های او بی زوال است؛ آنها هر صبح تازه می‌شوند و امانت تو عظیم است.» اگر عشق او کافی برای نجات ماست، حتماً این عشق برای حفظ نجات ما کافی خواهد بود. وفای او عظیم است!

مسیح قول داده

بالاخره، مسیح قول داد که ما را حفظ و حمایت کند و هرگز ما را ترک نکند. اگر چه انسانها اغلب در نگهداشتن قول خویش عادل نیستند، ولی مسیح هرگز از انجام آنچه تعهد کرده نزول نمی‌کند. به قول او گوش دهید: «هر که نزد من آید من به هیچ وجه او را دور نخواهم ساخت» (یوحنا ۶: ۳۷)؛ «من به هیچ وجه شما را رها نخواهم ساخت و به هیچ وجه شما را ترک نخواهم نمود» (عبرانیان ۱۳: ۵). قولهای خداوند در این جا بدون شرط است. «به هیچ وجه»، یعنی، تحت هیچ شرایطی او ما را رها، تسلیم و یا ترک نخواهد کرد. این قول وفادارانه اوست. نجات ما چه امنیتِ پُر قدرتی دارد! ما برگزیدگان خدا

و مقصد منظور او و خوانده شدگان او هستیم، که عشق او، فیض او، عدالت او، حیات او، قوت او، وفاداریِ تغییر ناپذیر او و قول‌های او را به عنوان بنیاد، تضمین و امنیت نجاتمان داریم. ما همه می‌توانیم با پولس اعلام کنیم: «می‌دانم به که ایمان آورده‌ام و مرا یقین است که او قادر است که امانت مرا تا به آن روز حفظ کند» (دوم تیموتاوس ۱: ۱۲).

مسرت از نجات

ما اطمینان به نجات خود را دیده‌ایم، برای همین است که می‌دانیم نجات یافته‌ایم. همچنین امنیت نجات خود را دیده‌ایم، برای همین است که هرگز نمی‌توانیم نجات خود را از دست بدهیم. ولی آیا این کافی است؟ متأسفانه، بسیاری از مسیحیان به همین قانع هستند - نجات را داشتن ولی کمی مسرت بردن از آن نجات. دوست ما با میلیونها در بانک ممکن است مطمئن باشد که ثروتمند است، و ممکن است با دانستن این که سپرده‌اش محفوظ است امنیت داشته باشد. ولی اگر هرگز پولی خرج نکند و به زندگی فقیرانه راضی باشد، به سختی می‌توانیم بگوییم که او از ثروتش مسرت می‌برد. او ظاهراً ثروتمند است، ولی در تجربه عملی خود هیچ ندارد. امروز این موقعیت بسیاری از مسیحیان است. آنها نجات یافته‌اند، ولی در زندگی روزانه خود تجربه کمی از

ثروت‌های بی‌پایان مسیح دارند (افسیسیان ۳: ۸). لیکن، قصد خدا این است که نه تنها ما مسیح را داشته باشیم، بلکه در حد اعلی از او مسرت بریم (یوحنا ۱۰: ۱۰؛ فیلیپیان ۴: ۴). حالت عادی یک مسیحی این است که «وجد می‌نماید با خرمی که نمی‌توان بیان کرد و پر از جلال است» (اول پطرس ۱: ۸).

ولی تقریباً همه ما تصدیق خواهیم کرد که گاهی اوقات، حتی خیلی وقتها، ما این نشاط لبریز را نداریم. آیا معنی آن این است که نجات خود را از دست داده‌ایم؟ مطلقاً خیر! نجات ما بر پایه خداست، نه ما. اما اگر چه نمی‌توانیم نجات خود را از دست دهیم، ولی می‌توانیم لذتِ نجات را از دست بدهیم.

از دست دادن مسرت

چه چیزهایی موجب می‌شود که گاهی مسرت خود را از دست بدهیم؟ اولین عامل، گناه است. مسرت وابسته به هم صحبتی بی‌وقفه ما با خداست، ولی گناه ما را از او جدا ساخته و سبب می‌شود که او روی خود را از ما پنهان کند (اشعیا ۵۹: ۱-۲).

دومین عامل، محزون ساختن روح القدس است (افسیسیان ۴: ۳۰). وقتی نجات یافتیم، معبد خدا گشتیم، و فرصت دادیم تا روح او در ما ساکن شود (اول قرنطیان ۶: ۱۷، ۱۹؛ رومیان ۸: ۹، ۱۱، ۱۶). این روح قدوس در درون

ما یک «نیرو» یا «چیز» نیست، بلکه یک شخص زنده است، خود عیسی مسیح است (اول قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵؛ دوم قرن‌تیاں ۳: ۱۷؛ ۱۳: ۵). مثل هر شخص زنده، او احساس، و روش برخورد دارد. پس وقتی ما صحبتی و یا کاری بر خلاف او انجام می‌دهیم، او درون ما محزون می‌شود. وقتی روح‌القدس محزون می‌شود، روح ما که در پیوند با اوست (اول قرن‌تیاں ۶: ۱۷) محزون می‌شود، و ما مسرت خود را از دست می‌دهیم.

نگهداری از مسرت

نجات ما همچنان صخره‌ای استوار است، ولی مسرت نجاتمان مانند گلی لطیف است، که با کوچکترین نسیمی ناخوش می‌شود. بنابراین، مسرتِ نجات چیزی است که باید آن را پرورش داده و تغذیه کنیم. حال برای مراقبت از این مسرت چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟

اول، می‌توانیم گناهان خود را اعتراف کنیم (اول یوحنا ۱: ۷، ۹). وقتی ما تقصیرات خود را نزد خداوند اعتراف می‌کنیم، خون او ما را پاک می‌سازد و مشارکت ما با او بازسازی می‌شود. پس از آن که داوود گناه کرد، چنین دعا کرد: «شادی نجات خود را به من باز ده» (مزامیر ۵۱: ۱۲). احتیاجی نیست که منتظر بمانیم. خون نفیس مسیح ما را از هر گناهی پاک می‌سازد.

دوم، ما می‌توانیم کلام خدا را چون غذا استفاده کنیم.

ارمیا گفت: «کلام تو یافت شد و آنها را خوردم و کلام تو برای من مسرت و شادمانی قلبم گردید.» (ارمیا ۱۵: ۱۶). اغلب کشف می‌کنیم که بعد از خواندن و دعا کردن همراه با کلام، قلبمان از شادی لبریز می‌شود. هیچ انسان گرسنه‌ای خوشحال نیست. همین‌طور، ما نباید مسیحیانی گرسنه باقی بمانیم. ما باید دائماً از کلام خدا تغذیه کرده و ضیافت بر پا کنیم (متی ۴: ۴).

سوم، ما می‌توانیم دعا کنیم. اغلب بعد از باز کردن قلب خود و صحبت با خداوند، احساس شادی عمیق و تازگی می‌کنیم. اشعیا ۵۶: ۷ می‌گوید: «و ایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهیم ساخت» دعای واقعی، ورد خواندن از کلمات و متن‌های آشنا نیست - بلکه بیرون ریختن قلب و روحمان نزد خداوند است. عیسی گفت: «بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۶: ۲۴). دعای واقعی رهایی‌بخش و مسرت‌انگیز است.

بالاخره، ما می‌توانیم با هم مشارکت کنیم. عظیم‌ترین مسرت برای یک مسیحی، گردهمایی با دیگر کسانی است که در عشق و مسرت مسیح شریکند. هیچ کلام انسانی قادر نیست که شیرینی تجربه ما را آنگاه که او را ستایش می‌کنیم و با هم درباره او صحبت می‌کنیم، توصیف کند. اول یوحنا ۱: ۳-۴ می‌گوید: «تا شما هم با ما شراکت داشته باشید، و در واقع مشارکت ما با پدر و با پسر او عیسی مسیح است. و این را به شما می‌نویسم تا خوشی

ما کامل گردد.» مشارکت واقعی یک وظیفه نیست، بلکه مسرت‌بخش است - عظیم‌ترین مسرت بر روی زمین. پس، ما اطمینان، امنیت و مسرت از نجات خود را داریم. برای چنین نجاتی کامل او را ستایش کنید!